

مجموعه مباحث اخلاقی

شناخت نفس امری مهم و در دسترس

استاد معظم
حضرت آیت الله یثربی کاشانی «دامت برکاته»

۲۱ فروردین ماه ۱۳۸۷

۲ ربیع الثانی ۱۴۲۹

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين .

«سُبْحَانَكَ مَا أَضْيَقَ الطَّرِيقَ عَلَيَّ مَنْ لَمْ تَكُنْ دَلِيلَهُ وَمَا أَوْضَحَ الْحَقَّ عِنْدَ مَنْ هَدَيْتَهُ سَبِيلَهُ إِلَهِي فَاسْأَلُكَ بِمَا سَبَّلَ الْوُضُولَ إِلَيْكَ وَسَيِّرْنَا فِي أَقْرَبِ الطَّرِيقِ لِلْقُفُودِ عَلَيْكَ قَرُبَ عَلَيْنَا الْبَعِيدَ وَسَهَّلْ عَلَيْنَا الْعَسِيرَ الشَّدِيدَ وَالْحَقِّقْنَا بِعِبَادِكَ الَّذِينَ هُمْ بِالْإِدَارِ إِلَيْكَ يُسَارِعُونَ وَبَابِكَ عَلَيَّ الدَّوَامِ يَطْرُقُونَ وَإِيَّاكَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ يَعْجُدُونَ وَهُمْ مِنْ هَيْبَتِكَ مُشْفِقُونَ»^(۱).

بارالها! پاک و منزهی تو چقدر تنگ است راهها بر آنکه تو راهنمایش نباشی، و چقدر آشکار است حق پیش آنکه او را به راهش راهنمایی کرده‌ای، خداوندا! ما را در راههای رسیدن به سویت قرار ده، و رهسپار کن ما را در نزدیکترین راهها برای ورود بر خودت، نزدیک کن بر ما دوری را و آسان کن بر ما دشواری و سختی را و متصل کن ما را به بندگان که آنان در رفتن به سویت می‌شتابند، و درب خانه ات را مدام می‌کوبند و تو را در شب و روز عبادت می‌کنند و آنان از هیبت تو هراسانند.

تأملی در معنای اراده؛

هشتمین مناجات، از مناجاتهای پانزده گانه امام زین العابدین علیه السلام «مناجات مریدین» نام دارد. به همین مناسبت و پیش از آنکه فرازهای

۱- مناجات خمسة عشر، مناجات المریدین .

شیرین و دل نشین این نیایش را در حدّ استعداد و فهم شرح دهیم، توضیح مختصری دربارهٔ اراده و موضوعات مرتبط به آن لازم می‌باشد. اراده را در لغت این گونه تعریف کرده‌اند:

«الإرادة منقولة من راد يروود، إذا سعي في طلب شيء والإرادة في الأصل قوة مركبة من شهوة وحاجة وأمل وجعل أسما لنزوع النفس إلى الشيء مع الحكم فيه بأنه ينبغي أن يفعل أو لا يفعل»^(۱).

اراده از کلمهٔ راد، یروود مشتق شده است، و آن به معنای سعی و کوشش در به دست آوردن امری می‌باشد و در اصل نیرویی است مرکب از شهوت، حاجت و آرزو و اسمی است برای خواهش نفسانی همراه با حکم برای اینکه کاری صورت گیرد یا نگیرد.

بنابر تعریف فوق اراده به معنی، سعی و کوشش برای به دست آوردن مطلوب و یا خواسته‌ای می‌باشد و مرکب از مجموعه عواملی چون، تمایلات نفسانی، احتیاجات، آمال و آرزوها می‌باشد. به طور خلاصه، اشتیاق شدید در به دست آوردن خواسته‌ای را اراده می‌گویند. این قدرت و توان که در وجود انسان به ودیعت نهاده شده است، قدرتی خدا دادی است و از عجایب آفرینش به شمار می‌آید. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«ما ضعف بدن عما قويت عليه النية»^(۲).

هیچ بدنی سست نمی‌گردد در مورد امری که نیت آن قوی باشد.

بنابر روایت فوق، اگر عزم و ارادهٔ انسان نسبت به امری جدی باشد به خواستهٔ خود جامهٔ عمل می‌پوشاند حتی اگر از نظر جسمانی ضعیف و ناتوان باشد. به عنوان مثال، اگر فردی ناتوان در پایهٔ کوهی مرتفع ایستاده باشد و در

۱- مفردات غریب القرآن، صفحهٔ ۲۰۶.

۲- من لا یحضره الفقیه، جلد ۴ صفحهٔ ۴۰۰.

قله کوه شیء گرانبهایی باشد، چنین فردی با وجود ضعف جسمانی اگر تصمیم بگیرد و اراده کند می‌تواند خود را به قله کوه برساند.

نکته دیگری که از روایت فوق استفاده می‌شود این است که، هیچ تفاوتی ندارد متعلق اراده خیر مطلق باشد یا شر مطلق، به محض آنکه اراده فردی نسبت به امری تعلق گیرد بدن با وجود ضعف و ناتوانی از عهده انجام کار بر می‌آید.

اهمیت معرفت نفس و ثمرات آن؛

یکی از علل مهم و عمده عقب ماندگی‌های فردی و اجتماعی عدم شناخت و استفاده نکردن از قدرتها و توانایی‌ها می‌باشد. بنابر این انسانها باید قدرت و تواناییهای خود را بشناسند. درباره اهمیت شناخت امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«وجدت علوم الناس كلهم في أربعة: أولها أن تعرف ربك والثاني أن تعرف ما صنع بك والثالث ما أراد منك والرابعة أن تعرف ما يخرجك من دينك»^(۱).

علوم تمام مردم را در چهار چیز یافتیم؛ نخست خدا را بشناسی، دوم بشناسی خداوند چگونه تو را آفریده است، سوم، خداوند از تو چه چیزی خواسته است، چهارم بشناسی چه چیز تو را از دین خارج می‌سازد.

بر اساس روایت فوق، پس از علم خداشناسی، باید به خودشناسی پردازیم و دریابیم که خداوند متعال چه قدرتها، توانایی‌ها و امتیازاتی را به انسانها اختصاص داده است. باید به ساخته‌های الهی - که انسانها نیز از مصنوعات الهی می‌باشند - آگاهی و معرفت داشت تا در پرتو این معرفت

۱- محاسن، جلد ۱ صفحه ۳۳۲.

بتوانیم از امکاناتی که خداوند در اختیار ما گذاشته است استفاده بهینه کنیم. با تدبّر در قرآن کریم در می‌یابیم که خداوند متعال در رابطه با آفرینش آسمان و زمین به خود تبریک نگفته است اما در رابطه با آفرینش انسان خود را ستوده است و می‌فرماید:

﴿ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾^(۱).

سپس نطفه را به صورت علقه و علقه را به صورت مضغه و مضغه را به صورت استخوانهایی در آوردیم و بر استخوانها گوشت پوشانیدیم، سپس آن را آفرینش تازه‌ای دادیم، پس بزرگ است خدایی که بهترین آفرینندگان است. البته خداوند متعال در رابطه با نزول وحی نیز خود را ستوده است و می‌فرماید:

﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾^(۲).

پر برکت است کسی که قرآن را بر بنده‌اش نازل کرد تا بیم دهنده جهانیان باشد.

سرّ اینکه آدمیان در علوم مادّی و تجربی پیشرفت سریعی داشتند این است که موضوع علوم تجربی که طبیعت و ماده می‌باشد را خوب شناختند، اما چون شناخت تواناییهای بشری آسان نمی‌باشد، نتوانستند در علوم و معارف مربوط به کمالات انسانی پیشرفتی شایان توجّه داشته باشند. اراده، از جمله قدرتهای بشری است که شناخت هر چه بیشتر و عمیق‌تر آن حائز اهمّیت می‌باشد. امیرالمؤمنین علیه السلام درباره اهمّیت شناخت نفس می‌فرماید:

۱- سوره مؤمنون، آیه ۱۴.

۲- سوره فرقان، آیه ۱.

«العارف من عرف نفسه وأعتقها ونزهاها من كل ما يبعدها ويوبقها»^(۱).

عارف کسی است که خود را بشناسد و نفس خود را آزاد و منزّه کند از هر آن چیزی که آن را (از کمال) دور کند و به اسارت آورد^(۲).

نخستین گام در عرفان و معرفت الهی، معرفت نفس است و پس از آن معرفت ربّ به میان می آید. رسول الله ﷺ می فرماید:

«من عرف نفسه فقد عرف ربه»^(۳).

هر کس خود را بشناسد به درستی که خدا را شناخته است.

در روایتی دیگر امیرالمؤمنین عليه السلام درباره معرفت نفس می فرماید:

«من عرف شرف معناه صانه من دنائه شهوته وزور مناه»^(۴).

هر کس گوهر خود را بشناسد [این شناخت] او را از پستی شهوت و سلطه آروز مصون می دارد.

۱- عیون الحکم و المواعظ، صفحه ۵۳.

۲- عرفان و معرفت الهی از موضوعات مهم می باشد. اما باید توجه داشت که مدعیان دروغین را از عارفان راستین باز شناسیم. در رابطه با مدعیان عرفان نقل کرده اند، یکی از مریدان به همسرش گفت: شیخ ما عارفی کامل و واصل است. همسر گفت: چگونه به این نتیجه رسیدی؟ مرد در پاسخ گفت: در میان نماز شیخ، کلماتی که برای راندن سگ به کار می برند بر زبان جاری ساخت. پس از نماز از او علت کارش را پرسیدیم، او در پاسخ گفت: هنگام نماز سگی را دیدم که در خانه خدا بول می کند و با این کلمات او را از آن جا راندم. همسر از این سخنان متعجب شد، گفت شیخ و دیگر مریدان را برای نهار دعوت کن. روز موعود فرا رسید، سفره را پهن کردند و برای هر یک بشقابی از برنج و مرغ گذاشتند، شیخ بشقاب خود را دید که مرغی ندارد زیرا بر خلاف دیگر مهمانان مرغ بر روی برنج نبود، شیخ زبان به اعتراض گشود، در این هنگام همسر صاحب خانه گفت: جناب شیخ چگونه سگی را در خانه کعبه می بیند اما مرغی را که در زیر برنج پنهان شده است را نمی بیند؟!

۳- بحار الانوار، جلد ۲ صفحه ۳۳.

۴- عیون الحکم و المواعظ صفحه ۴۲۵.

نیازی به تذکر نیست که منظور از معرفت نفس در این روایتها، شناخت صورت ظاهری انسان نمی‌باشد، بلکه منظور شناخت گوهر و شرافت انسانی است.

انسان دارای خواسته‌ها و امیال متضادی می‌باشد. اگر انسان بتواند معرفتی کامل به خود داشته باشد، از خواسته‌هایی که او را به انحطاط و سقوط از انسانیت سوق میدهد، پیروی نخواهد کرد. و با پیروی از توانایی‌ها و قدرتهای ملکوتی خود به بالاترین درجه انسانیت و شرافت صعود خواهد کرد. خداوند متعال در قرآن کریم پس از چند سوگند که بیانگر اهمیت موضوع است می‌فرماید:

﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾^(۱).

که ما انسان را در بهترین نظام و صورت آفریدیم.

امیرالمؤمنین علیه السلام نیز می‌فرماید:

«نال الفوز الأكبر من ظفر بمعرفة النفس»^(۲).

به پیروزی بزرگ دست یافته است، هر کس که به معرفت نفس نائل گردد.

و در روایتی دیگر حضرت می‌فرماید:

«من لم يعرف نفسه بعد عن سبيل النجاة وخبط في الضلال

والجهالات»^(۳).

هر کس خود را نشناسد از راه رستگاری دور گردیده است و در گمراهی و

نادانی گرفتار می‌گردد.

روشن است که تنها راه نجات، سعادت و رستگاری اخروی و دنیوی، راهی

است که اهل بیت علیهم السلام نشان داده‌اند و خود آنان آن مسیر را طی کرده‌اند.

۱- سوره تین، آیه ۴.

۲- عیون الحکم، والمواعظ، صفحه ۴۹۷.

۳- تفسیر المیزان، جلد ۶ صفحه ۱۷۴.

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید :

«هلك أمرؤ لم يعرف قدره»^(۱).

نابود شد شخصی که قدر و ارزش خود را نشناخت.

امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه خود به به مالک اشتر می فرماید :

«الجاهل بقدر نفسه يكون بقدر غيره أجهل»^(۲).

آن کس که قدر خود را نداند، در شناختن قدر و ارزش دیگران نادان تر است.

قدر و ارزش انسانها به ثروت و خاندان نیست، بلکه کمالات و حسنات

اخلاقی نشان دهنده ارزش آدمیان می باشد.

امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید :

«الشرف بالهمم العالية، لا بالرمم البالية»^(۳).

شرف و بزرگی انسانها به همتهای بالا می باشد نه به استخوانهای پوسیده.

خواهش فقط از خدا:

حال که به اهمیت معرفت نفس پی بردیم و آگاه شدیم که یکی از توانایی های مهم انسانها اراده می باشد باید به این نکته توجه داشت که این نیرو و توان را در کجا به کار گیریم. به عبارت دیگر متعلق اراده چه باید باشد؟

آیا اگر انسانی بخواهد به ثروت و قدرت دست یابد، باید نزد صاحبان

زر و زور سر خم کند و شرافت انسانی خود را به ثمن بخرس بفروشد؟

به قول شاعر:

دست طلب چو پیش کسی می کنی دراز

پل بسته ای که بگذری از آبروی خویش

۱- نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۱۴۹.

۲- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۳- عیون الحکم و المواعظ، صفحه ۶۰.

اما حقیقت امر آن است که ثروت و عزّت واقعی نزد خداوند متعال است و هر چه را می‌خواهیم باید از او طلب نماییم. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ﴾^(۱).

خداوند روزی دهنده و صاحب قوت و قدرت است.

و در آیه دیگر می‌فرماید:

﴿وَتَعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ﴾^(۲).

هر کس را بخواهی عزّت می‌دهی و هر که را بخواهی خوار می‌کنی.

مقدّر، دهنده و واهب همه نعمات خداوند متعال است، در نتیجه نباید برای به دست آوردن مواهب مادی، از غیر حق کمک خواست و یاری جست. خداوند متعال در رابطه با رستگاران می‌فرماید:

﴿تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾^(۳).

این سرای آخرت را تنها برای کسانی قرار می‌دهیم که اراده برتری جویی در زمین و فساد را ندارند و عاقبت نیک برای پرهیزگاران است.

دسترسی به سعادت اخروی تنها با اخلاص و پاکیزگی نیت و اراده حاصل می‌شود. اگر نیت و اراده فردی آلوده باشد محال است که به سعادت اخروی دست یابد. همین که خواست و اراده انسان به علو و برتری جویی یا فساد تعلق گرفته باشد نخستین گام را در مسیر انحطاط و تباهی برداشته است و از سعادت اخروی دور می‌گردد.

تا بدین جا دریافتیم که نخست باید انسان و قدرتهای او را شناخت و

۱-سوره الذاریات، آیه ۵۸.

۲-سوره آل عمران، آیه ۲۶.

۳-سوره قصص، آیه ۸۳.

یکی از قدرتهای بشری اراده می‌باشد. سپس به این نتیجه رسیدیم که باید از این قدرت در جهت صحیح استفاده نمود. همت و اراده ما باید به سمت باب الله، هدایت شود و این گوهر ارزشمند را باید در آن مسیر به کار گرفت.

در فرازهای نخستین این نیایش امام سجّاد علیه السلام می‌فرماید:

«سُبْحَانَكَ مَا أَضْيَقَ الطَّرِيقَ عَلَيَّ مَنْ لَمْ تَكُنْ دَلِيلَهُ».

خداوندا! برای کسانی که تو دستگیر آنان نباشی، چقدر راه تنگ و

تاریک است.

«وَمَا أَوْضَحَ الْحَقَّ عِنْدَ مَنْ هَدَيْتَهُ سَبِيلَهُ».

خداوندا! چقدر راه روشن است برای کسانی که تو آنان را هدایت کنی

و به منزل مقصود برسانی. هدایت دارای دو نوع می‌باشد؛

۱- ارائه طریق و راهنمایی؛

۲- ایصال به مطلوب و رساندن.

امام علیه السلام از خداوند متعال درخواست می‌کنند که ما را به منزل مقصود

برساند و تنها به هدایت و نشان دادن راه اکتفاء نکند.

«الهِى فَاسْئَلْ بِنَا سُبُلَ الْوُصُولِ إِلَيْكَ».

خداوندا راههای رسیدن به خودت را به ما نشان ده و ما را در آن راه

به حرکت در آور. در این عبارت واژه (سبل) یعنی راهها بکار رفته شده

است، و یادآور این گفته اهل معرفت است که؛

«الطرق إلى الله بعدد أنفاس الخلاق»^(۱).

راههای رسیدن به خدا به تعداد انسانها می‌باشد.

انشاء الله خداوند متعال ما را در مسیر نجات و هدایت قرار دهد.

«وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»

۱- بحار الانوار، جلد ۶۴ صفحه ۱۳۷.

بر اساس روایت فوق، پس از علم
خدشناسی، باید به خودشناسی
بپردازیم و در یابیم که خداوند متعال
چه قدرتها، توانایی‌ها و امتیازاتی را به
انسانها اختصاص داده است. باید به
ساخته‌های الهی - که انسانها نیز از
مصنوعات الهی می‌باشند - آگاهی و
معرفت داشت تا در پرتو این معرفت
بتوانیم از امکاناتی که خداوند در
اختیار ما گذاشته است استفاده بهینه
کنیم. (صفحه ۵ از همین جزوه)

www.yasrebi.ir

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

محل برگزاری جلسات :

چهار راه شهدا - خیابان معلم - کوچه معلم ۱۴ - پلاک ۸

تلفن ۷۷۳۲۳۶۷ و ۷۷۴۹۱۶۰ - نمابر ۷۷۴۳۹۱۹